



بچه کاراته‌کار - جان جی اولدنسن - ۱۹۸۴

«دانیل» (ماکیو):

زندگی ما را رو بارها می‌زنه زمین!

اما ما می‌تونیم انتخاب کنیم که دوباره وابستیم یا نه!

● **دیالوگ روز**

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۴۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۸ آبان ۱۴۰۱ • ۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ • ۳۰ اکتبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۰۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۱
اذان صبح فردا ۵:۰۰ • طلوع آفتاب ۶:۲۵

چند نکته درباره کسب‌وکارهای کوچک

هر روز خبری مینی بر فیلترینگ منتشر می‌شود. گوگل پلی و گوگل مپ از آخرین اپلیکیشن‌هایی هستند که در ایران فیلتر شده‌اند. در این‌میان آسیب زیادی که به خاطر فیلترینگ بر کسب‌وکارهای کوچک وارد آمده است، مطرح است. هر چند در میزان آن، برخی مسئولان شک و شبیهه وارد کرده‌اند. مدیران پلتفرم‌های مختلف در گفت‌وگو با دیجیاتو، اثرات مخرب ادامه این وضعیت را گوشزد کرده‌اند تا شاید با تغییر عقیده تصمیم‌گیران این اوضاع، شاهد اخذ تصمیمی بهتر باشیم.

اما شاید تیتز «می‌خواهیم زنده بمانیم» بهترین توصیف برای این فضا بود. در این گزارش به این نکته اشاره شده است که موج فیلترینگ در آینده‌ای نه‌چندان دور، سؤنوامی تعدیل و تعطیلی استارت‌آپ‌های کوچک و بزرگ را به همراه خواهد داشت. به گواه آمارهای رسمی، اختلالات اخیر اینترنت و مسدودسازی‌ها بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومان به کسب‌وکارها خسارت وارد کرده و ادامه آن می‌تواند کشور را با چالش بزرگ بی‌کارت رویه‌رو کند. به گفته مدیر یکی از اپلیکیشن‌ها این فیلترینگ تأثیر حداقل ۴۰ درصدی داشته است. او گفته است: «در هفته‌های اخیر، فیلترینگ و اختلال اینترنت موجب کاهش تقریباً ۴۰ درصدی تراکنش‌ها شده است. قطعی مقطعی سرویس پیامکی نیز تراکنش‌ها را تا ۴۰ درصد کاهش داد که در مجموع به نسبت ماه‌های پیشین ریزش ۶۴ درصدی تراکنش‌ها را شاهد هستیم». همچنین یکی دیگر از مدیران از کاهش ۸۰درصدی سفارش خرب داده است. البته بعضی روزها سفارش‌ها صفر بوده و منجر به تعطیلی برخی فروشگاه‌ها شده است. همچنین یکی دیگر از مدیران اعلام کرده است گردش مالی تبلیغات در اینستاگرام با افت حدود ۳۰۰ میلیارد تومانی در یک ماه رویه‌رو شده بود.

توجه دیگری از نکاتی که در بازخوانی این گزارش باید مورد توجه قرار گیرد، بحث تاب‌آوری استارت‌آپ‌ها است. مدیران این استارت‌آپ‌ها در این زمینه معتقدند تاب‌آوری آنها دائمی نخواهد بود. یکی از آنان می‌گوید: «وقتی کسب‌وکاری آسیب ببیند و درآمد و هزینه با هم نخواند، درگیر اتفاقات عجیب‌وغریبی می‌شود. شاید آنهایی که جذب سرمایه کرده‌اند، با یک فاصله زمانی به مشکل برخوردند؛ اما مسرتراجم همه را درگیر می‌کند. باید دید حاکمیت چه تصمیمی برای اینترنت و اینستاگرام خواهد گرفت». یکی دیگر از آنها گفته است: «معمولاً منتظریم تا ببینیم چه تصمیمی برای ما می‌گیرند. آینده شفاف نبوده و مشخص نیست آیا قرار است اینستاگرام یا سایر سرویس‌ها برگردند یا خیر. این موضوعی آزاردهنده است و عملاً هزینه تصمیم‌نگرفتن را پرداخت می‌کنیم. می‌توان مطمئن بود اگر این شرایط ادامه یابد، از آنر ماه شاهد تعدیل درخورتوجهی در اکوسیستم خواهیم بود.» این فعال استارت‌آپی معتقد است: «وقتی اکوسیستم نوآوری درگیر ناامیدی می‌شود، یک زنگ خطر را به صدا درمی‌آورد».

همچنین یکی از مدیران معتقد است که فعالان این حوزه با مشکلاتی که اکنون بر سر راه قرار گرفته است، باید هرچه در این چند سال آموخته و انجام داده‌اند، به کناری بگذارند و به چهار سال پیش بازگردند و از اول همه را شروع کنند. این اتفاق برای بیشتر کسب‌وکارهای خانگی در حال وقوع است.

اما یکی دیگر از مدیران بر این باور است که ضرر مالی و کاهش فروش ناشی از قطع اینترنت و فیلترینگ سهم کوچکی از آسیب‌هایی است که به کسب‌وکارها وارد می‌شود. او گفته است: «ازبین‌رفتن چند سال آموخته و انجام داده‌اند، به کناری بگذارند و به چهار سال پیش بازگردند و از اول همه را شروع کنند. این اتفاق برای بیشتر کسب‌وکارهای خانگی در حال وقوع است. اما یکی دیگر از مدیران نیز تصریح کرده است: «فیلترینگ و اختلال اینترنت، بحث اطلاع‌رسانی و تبلیغات را نیز با مشکل مواجه کرده است و آن دست از افرادی هم که احیاناً به دنبال برگزاری رویدادی بودند، با چالش جدی برای تبلیغات و اطلاع‌رسانی رویه‌رو بوده‌اند». همچنین او به بحث تغییر سرمایه‌گذاران از خصوصی به دولتی اشاره کرده و گفته است: «اکثر کسب‌وکارها در آینده نزدیک و اگر حداقل تا شش ماه دیگر این شرایط به‌ویژه برای کسب‌وکارهای آنلاین کسب‌وکارشان خواهند شد. شرایط به‌ویژه برای کسب‌وکارهای آنلاین و استارت‌آپ‌ها بسیار بحرانی است؛ چراکه زبان انباشته و توسعه‌شان وابسته به جذب سرمایه‌گذار است؛ اما زمانی که برای بار دوم با قطع اینترنت رویه‌رو می‌شود، سرمایه‌گذار دیگر دلیلی برای ریسک و سرمایه‌گذاری ندارد. از این پس اگر هم سرمایه‌گذاری صورت گیرد، دولتی است که ریسک‌های خاص خود را دارد. به‌همین‌خاطر شرایط برای تأمین مالی بسیار دشوارتر از قبل و تقریباً غیرممکن می‌شود.»



● **خشک‌سالی‌های بیابی و طولانی سبب شده تا قرل اوزن که در گذشته‌های نه‌چندان دور آن را رودخانه وحشی در فصل پاییز می‌نمایندند کاملاً خشک شده و به یک رودخانه فصلی تبدیل شود.**



● **خشک‌سالی‌های بیابیی و طولانی سبب شده تا قرل اوزن که در گذشته‌های نه‌چندان دور آن را رودخانه وحشی در فصل پاییز می‌نمایندند کاملاً خشک شده و به یک رودخانه فصلی تبدیل شود.**
عکس: احسان تقی‌بیگلوا/ایسنا

واکنش انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران به بیانیه دو نهاد امنیتی و دفاع از حیثیت یک حرفه

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، واکنش به بیانیه دو نهاد اطلاعاتی که در آن اتهاماتی به الهه محمدی و نیلوفر حامدی و نیلوفر حامدی صادر کرد.

متن این بیانیه به این شرح است: «بیانیه مشترک دو نهاد اصلی اطلاعاتی کشور درباره دربارۀ رویدادهای اخیر، مضمونی نداشت جز اینکه باید روزنامه‌نگاری را جرم و ممنوع اعلام کرد؛ زیرا فعالیت عادی دو نفر از همکاران ما در انجام وظیفه حرفه‌ای را مصادق اتهامی قرار داده‌اند که به معنای پایان کار روزنامه‌نگاری است. دو فعالیت خبری مورد اشاره نهادهای اطلاعاتی، جزء ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین وظایف روزنامه‌نگاری محسوب می‌شود؛ این در حالی است که یکی از ریشه‌های مشکلات کشور، فقدان یا خطیربودن انجام همین فعالیت‌های خبری است. آنچه را این بیانیه درد دانسته، درواقع درمان رسانه‌های داخلی است. به علت فقدان همین فعالیت است که مرجعیت رسانه‌ای از داخل به خارج از کشور منتقل شده و امروز با چنین وضعی مواجه‌اید، به‌طوری‌که اگر تمام روز خود را صرف تکذیب اخباری کنید که غلط و دروغ می‌نپندارید، بازهم وقت کم می‌آورد، چون رسانه نداریم. ازاین‌رو برخورد با فعالیت ابتدایی دو خانم روزنامه‌نگار حرفه‌ای، ناشی از عصبانیتی است که نسبت به رسانه‌های برون‌مرزی وجود دارد و ضرورت دانستن این نکته که مقابله با آن رسانه‌ها، اتفاقاً به‌مرسومت‌شناختن و احترام و دفاع از حرفه روزنامه‌نگاری است.

انتقام از برنامه‌های ماهواره‌های فارسی‌زبان خارج ایران را از روزنامه‌نگاران زحمتکش و خدمنگزار مردم نمی‌گیرند. این نه قانونی است، نه اخلاقی و نه حتی مفید و تأثیرگذار. این اتهام که همکاران ما برای آموزش بدیهیات و اصول اولیه روزنامه‌نگاری به خارج از ایران رفته و در کلاس‌های روزنامه‌نگاری شرکت کرده‌اند، فارغ از صحت و سقم، اصل وجودی چنین برنامه‌هایی، توهمین به شعور مخاطب و جامعه روزنامه‌نگاری محسوب می‌شود؛ آن‌هم دو روزنامه‌نگاری که از حرفه‌ای‌ترین روزنامه‌نگاران کشور هستند. بیانیه دو نهاد اطلاعاتی به‌معنای آن است که همه ما روزنامه‌نگاران متهم و حتی مجرم هستیم و از آن مهم‌تر اینکه حرفه روزنامه‌نگاری را در داخل کشور منتفی تلقی می‌کنند. ازاین‌رو معتقدیم باید مجموعه نهادهای مدنی و صنفی مرتبط با رسانه و روزنامه‌نگاری در این مورد چاره‌اندیشی کنند و اعتراض خود را به این رویکرد ویرانگر که ریشه تضعیف نهاد رسانه و فرستادن مرجعیت رسانه‌ای به خارج از مرزها را دربر دارد، ابراز کنند. متأسفانه رویکرد اطلاعاتی مزبور درد خود را از جایی می‌داند که درواقع درمان و چاره‌یابی کشور است.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، این رویکرد امنیتی را نسبت به حرفه روزنامه‌نگاری نه‌تنها غیرقانونی و در تقابل با آزادی قانونی می‌داند بلکه آن را عامل اصلی یا دست‌کم یکی از عوامل بحران‌زای جامعه ایران محسوب می‌کند. ضمن

هشدار انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران نسبت به نقض حقوق نیلوفر حامدی و الهه محمدی

به دنبال بیانیه وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه که در آن اتهاماتی به نیلوفر حامدی و الهه محمدی، دو نفر از روزنامه‌نگاران ایران نسبت داده شد، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران نامه‌ای سرگشاده به ریاست قوه قضائیه نوشت.

در این نامه خطاب به ججت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه آمده است: «با سلام؛ احتراماً همان‌گونه که استحضار دارید روز گذشته در بیانیه‌ای که با امضای وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه صادر شد، درخصوص دو نفر از همکاران ما خانم‌ها الهه محمدی و نیلوفر حامدی که بیش از یک ماه است در بازداشت به سر می‌برند، نسبت‌هایی داده شده است که غیر از اینکه مغایر با اصول حرفه روزنامه‌نگاری است، متضمن نقض حقوق متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز هست.

بنا بر اطلاعات موجود دو روزنامه‌نگار فوق هم‌اینگ تحت تحقیقات مقدماتی قرار دارند. اقتضای دادرسی منصفانه این است که تحقیقات به شکل بی‌طرفانه انجام شده و از انتشار نکاتی که قطع نظر از درستی و نادرستی آنها ممکن است به زیان متهم تلقی گردد، اکیدا خودداری شود. متأسفانه مشاهده می‌کنیم در این بیانیه نه‌تنها این اصل رعایت نشده است، بلکه حتی به شکلی قضات و حکم نهایی نیز به جامعه القا می‌شود و این مغایر با دادرسی عادلانه است. نکته مهم‌تر، آن فعلی که به عنوان مستند اتهامی ذکر کرده‌اند، دقیقاً انجام وظیفه حرفه‌ای و عادی آنان است و هرروز درحال اجرایش هستند و برای روزنامه‌نگار فرقی میان انداختن عکس یا تهیه گزارش از مرگ یک نفر یا یک تصادف وجود ندارد، آنچه در پی انتشار خبر می‌آید مربوط به عوامل اجتماعی دیگر است.»

در بخش دیگری از این نامه آمده است: «این روزنامه‌نگاران تاکنون در بازداشت چندان از حقوق متهم بهره‌مند نبوده‌اند و این فرایند ما را از سرنوشت پرورنده قضائی آنان نگران ساخته است. لذا از جنابعالی به‌عنوان ریاست محترم دستگاه قضا خواهشمندیم:

۱- دستور فرمایند نسبت به تخلفی که درخصوص انتشار برخی مفاد پرورنده صورت گرفته است، رسیدگی عاجل صورت گیرد.

۲- حقوق متهمان از حیث ارتباط مستمر و مؤثر با وکیل رعایت شود.

۳- شرایطی تهیه شود تا متهمان در اسرع وقت از بازداشت آزاد شوند.

۴- ترتیبی مقرر فرمایند تا نمایندگان این‌انجمن با متهمان ملاقات کرده و از وضعیت عمومی آنان اطلاع حاصل شود.

از توجه و مساعدتی که مبذول می‌فرمایند سپاسگزاریم.»

نیلوفر حامدی از خبرنگاران مطرح اجتماعی ایران است که گزارش‌های او بازتاب ویژه‌ای در حل مشکلات متعدد ازجمله شیرخشک و... داشته است. همچنین الهه محمدی خبرنگار روزنامه هم‌میهن که مراسم خاکسپاری مهسا امینی را از سقف گزارش کرده بود، روز هفتم مهر بازداشت شد. او پس از احضار تلفنی به سوی محل بازجویی درحال حرکت بود که در مسیر بازداشت شد.

چندی پیش محمدعلی کامفیروزی، وکیل این دو خبرنگار، در گفت‌وگویی به ابعاد حقوقی بازداشت این

دو خبرنگار اشاره کرد و گفت: «من و خانواده خانم‌ها حامدی و محمدی، بارها به برخورد‌هایی که اتفاق افتاده اعتراض کردیم؛ اما هیچ‌کس پاسخ‌گو نیست. بگذارید من کمی توضیح بدهم- ببینید هیچ فردی در این کشور نمی‌تواند کسی را بازداشت کند، مگر اینکه اولاً مقام قضائی باشد و ثانیاً بیم فرار یا مخفی شدن یا تبانی متهم برود. این شرایط درباره بازداشت خانم‌ها محمدی و حامدی وجود ندارد؛ این دو نفر، هر دو از خبرنگاران باسابقه و خوشنام و توانمند کشور هستند که در این سال‌ها هر وقت احضار قانونی شده‌اند، بلافاصله مراجعه کرده‌اند و اساساً کار خاصی هم نکرده‌اند که دلیلی برای بازداشت آنها وجود داشته باشد. اگر مرتکب کاری شده بودند که این همه مدت در شرایط انفرادی و سلب حق دسترسی به وکیل و سلب حق ملاقات و... نگهداری نمی‌شدند.

از سوی دیگر، طبق ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری، دستور قضائی جلب موکلان من باید با تأیید کتبی رئیس کل دادکستری استان و با حضور مقام قضائی باشد و دستور تفتیش باید به متهم ابلاغ شود و ضمناً چنانچه اموالی توقیف می‌شود، طبق ماده ۱۴۷ همان قانون باید یک رسید به موکل تحویل داده شود؛ درحالی‌که نه موکلان من و نه خانواده ایشان چنین دستور تفتیشی را ندیده‌اند و هیچ رسیدی هم به آنها داده نشده است. علاوه بر این، طبق ماده ۱۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، دستور قضائی جلب باید به متهم ابلاغ شود؛ امری که درباره موکلان من اتفاق نیفتاده است؛ یعنی فقط در حد چند تأییه برکهای را نشان داده‌اند و تمام؛ اینکه ابلاغ قانونی نیست! از سوی دیگر معلوم نیست قرار بازداشت موکلان من بر چه اساسی صادر شده است؟ طبق مواد ۲۳۸، ۲۳۹ و قانون آیین دادرسی کیفری، اساساً هیچ موجب قانونی برای صدور قرار بازداشت موقت برای خانم‌ها محمدی و حامدی وجود نداشته و ندارد. علاوه بر این نگهداری ایشان در انفرادی، آن‌هم با شرایطی که همه می‌دانیم، نشان از اصرار بر طی یک فرایند غیرقانونی در برخورد با موکلان من دارد؛ یعنی دو روزنامه‌نگار خوشنام و متعهد این مملکت را که قاعدتاً به خاطر زحمت دل‌سوزانه‌شان باید مورد تقدیر و تشکر قرار می‌گرفتند، به عجیب‌ترین شیوه ممکن بازداشت کرده‌اند، به هیچ‌کسی هم پاسخ‌گو نیستند، تازه قبل از اینکه فرایند تحقیقات هم تمام شود، اتهاماتی علیه‌شان طرح می‌شود؛ خب شما اسم این را چه می‌گذارید؟.»

زمین‌خوانی

«امید» ما زنده بماند

در روزهایی که همه ما به امید نیاز داریم و اذهانمان از خبرهای اکثر منفی آکنده شده، شنیدن یک خبر خوش محیظ‌یستی، بسیار خوشایند بود. تتهاترین پرنده جهان برای پانزدهمین سال مسیر پنج‌هزار کیلومتری سیبری تا ایران را طی کرد و به فریدون‌کنار رسید. درنایی که ایرانی‌ها نام «امید» بر آن گذاشته‌اند، پرنده‌ای است شکفت‌انگیز که هر سال از سیبری به غرب دریای مازندران می‌آید تا وارد ایران شود و در تالاب بین‌المللی فریدون‌کنار زمستان را می‌گذراند. امید در مسیر پنج هزار کیلومتری کوچ از سیبری تا ایران تمامی چربی ذخیره‌شده زیر پوست خود را از دست می‌دهد و به همین دلیل به‌محض رسیدن به مقصد مهاجرتی خود به تغذیه فراوان نیاز دارد.

این پرنده با سفر امسال، ۱۵ سال است که در آخرین هفته مهر یا اولین هفته آبان به فریدون‌کنار پرواز می‌کند. این پرنده در بیشتر سال‌های گذشته به فریدون‌کنار پرواز کرده است و اهالی این منطقه بسیار به او علاقه دارند و او را امید می‌نامند، زیرا بر این باورند که با خود امید می‌آورد. درنای سیبری به سه جمعیت شرقی، غربی و مرکزی تقسیم می‌شود. جمعیت مرکزی که در گذشته به هند مهاجرت می‌کردند، به‌طور کامل منقرض شده است. برآورد می‌شود که تنها سه‌هزارو ۲۰۰ درنای سیبری در جهان باقی‌مانده که بیشترشان از کله شرقی درناهای سیبری در حوضه پویانک در چین زمستان را می‌گذرانند. امید آخرین پرنده باقی‌مانده از کله غربی درناهای سیبری است که تریج می‌دهد زمستان را در ایران سری کند. تالاب فریدون‌کنار در دریای مازندران یکی از غنی‌ترین اکوسیستم‌های در میان شهرهای شمالی ایران دارد و سالانه میزبان هزاران پرنده مهاجر از جمله انواع اردک، حواصیل و قو است.

درویشی و همکاران در سال ۱۳۹۸ نشان دادند که عدم محاسبه مناسب ارزش‌های محیط‌زیستی غیربازاری تالاب‌ها در تصمیمات توسعه‌ای موجب تغییر کاربری گسترده منابع تالاب فریدون‌کنار شده است. مشارکت جوامع محلی برای حفاظت از تنوع زیستی اکوسیستم با توجه به شکار زیاد در تالاب فریدون‌کنار ضروری است. با بهبود وضعیت یا افزایش وسعت پناهگاه و به تبع آن کاهش سطح شکار، تمایل به دریافت مبلغی جزئی‌تری از سوی شکارچیان برای عدم شکار افزایش می‌یابد اما کوتاه‌ترشدن دوره شکار اثر منفی بر تمایل به دریافت مبالغ جزئی‌تری برای عدم شکار در منطقه فریدون‌کنار دارد. ازبین‌رفتن زیستگاه به‌ویژه به دلیل تغییر هیدرولوژی ناشی از انحراف آب و تبدیل کاربری تالاب‌ها، برداشت‌های غیرقانونی از جمله شکار، صید و مسمومیت و آلودگی محیط زیست این‌گونه درنای سیبری در معرض خطر انقراض را تهدید می‌کند. تک درنای سیبری پنجشنبه پنجم آبان وارد ایران شد تا زمستانی دیگر را در تالاب فریدون‌کنار بگذراند. نخستین‌بار زمستان سال ۸۶ بود که سه درنای سپید سیبری در تالاب فریدون‌کنار به زمین نشستند. البته پیش از این در سال ۱۳۵۳ نخستین درناهای سیبری در ایران دیده شدند که البته از جمعیت درنای سپید نبودند. در همان سال ۸۶ یکی از این سه درنا توسط شکارچیان تلف شد و دیگری که همسر امید بود، سال ۸۷ تلف شد اما از آن سال تاکنون، تک درنای باقی‌مانده کله غربی سیبری امید است که برای زمستان‌گذرانی به ایران می‌آید.

او ۱۴ سال است که به‌عنوان تتهاترین پرنده دنیا، هزاران کیلومتر را بین صحرای سیبری و آنگیرهای شمال کشورمان، به‌تهنایی در رفت‌وآمد است، تا نمادی از امید و مقاومت باشد. پرنده سپید امید را با شادپروهای سیاهرنگ و بلوغ، عدم‌تخم‌گذاری و آشیانه‌سازی سالانه و نیاز به زیستگاه ویژه و اختصاصی موجب شده جمعیت این گونه نسبت به سایر پرندگان کوچ‌رو به نحو چشمگیری کاهش یابد؛ بنابراین حفظ و نگهداری از امید، به‌عنوان تتهاترین پرنده مهاجر ایران، برای ماندگاری این گونه اهمیت دوچندان دارد. امید آن‌قدر در مسیر مهاجرت، بال‌های خود را حرکت می‌دهد تا بدشن درجه حرارت بسیار بالایی تولید کند و به همین دلیل پس از فرود در تالاب به‌طور مکرر به زیر آب می‌رود و بیرون می‌آید تا دمای بدنش را متعادل کند و آرام بگیرد. مسیر مهاجرت برکنشت این پرنده نیز از فریدون‌کنار به‌سوی سواحل غربی دریای مازندران ادامه پیدا می‌کند و پس از گذشتن از استان گیلان به سمت جمهوری آذربایجان، داغستان و منطقه آستراخان روسیه به‌سوی تالاب شمال قزاقستان می‌رود و سپس تا رودخانه اوب در نزدیکی قایانوس منجمد شمالی ادامه می‌یابد.

همه‌ساله در زمستان ۱۵۰گونه پرنده زمستان‌گذران با جمعیتی بالغ بر یک میلیون و ۵۰۰هزار بال به تالاب و آب‌بندان‌های مازندران از جمله تالاب بین‌المللی میانکاله می‌آیند. جوامع محلی و اداره کل حفاظت محیط زیست استان مازندران با توجه به اهمیت این پرنده به‌عنوان پرنده‌ای در خطر انقراض در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند از تیراندازی به امید و کشته‌شدن او جلوگیری کنند. سن تخمینی امید براساس تخمین پرنده‌شناس‌ها، ۳۵ سال است، اما این پرنده در بهترین شرایط زیستی می‌تواند تا ۷۰ سال زنده بماند. باشد که امید ما زنده بماند، حتی اگر نمادش درنای سفید مهاجر باشد.



مهدی زارع